

Original Article

Examining the Sorcery in Iranian Criminal Law with Moral Approach

Maryam Hamidzadeh¹, Maryam Aghaei Begestani^{2*}, Mohamad Rohani Moghadam³

1. Ph.D. Student in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Assistan Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding Author) Email: maqaib@gmail.com

3. Assistan Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 15 Aug 2018 Accepted: 26 Feb 2019

Abstract

From a long time ago, it has been very interesting and tempting to get acquainted with strange sciences. Sorcery is an extraordinary affair that differs from the realization of ordinary ones and cannot be conceived through ordinary and customary assumptions. The effects of sorcery on human beings are of psychological and sometimes physical aspects. The lack of individual awareness and the enticing features of sorcery have attracted people toward this science; this has created a special opportunity for witches to easily benefit from the ignorance of the people. In Islam, sorcery is of certainties that teaching and learning of it is forbidden due to its immoral effects on individual, family, and community. Sorcery has innumerable moral harms. The most important damages that may be mentioned are conflict among people especially between couples, undermining the beliefs of people in society, promoting superstition, and in particular providing a platform for emerging sects. With alcoholic beverages, psychedelic drugs, promoting promiscuity, preventing marriage, and having illegitimate relationships, the sects undermines the foundation of family and causes mental illness, suicide, and delinquency. According to Iran's criminal law, bill 12-225, sorcery is considered a crime and sorcerer is punished, which according to its immoral implications is commensurate with the crime; however, since the purpose of the punishment is to reform the offender to re-enter the community and maintain the interests of society and guarantee its survival, this punishment was removed from the bill of laws. The present study was conducted through descriptive-analytic method and aimed to express the immoral effects of sorcery, while attempting to familiarize the reader with an overview of sorcery culture and its jurisprudential-legal verdict

Keywords: Sorcery; Society; Crime; Ethics; Criminal Law

Please cite this article as: Hamidzadeh M, Aghaei Begestani M, Rohani Moghadam M. Examining the Sorcery in Iranian Criminal Law with Moral Approach. *Bioethics Journal*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 93-104.

بازپژوهی سحر در حقوق کیفری ایران با رویکرد اخلاقی

مریم حمیدزاده^۱، مریم آقایی بجزستانی^{۲*}، محمد روحانی مقدم^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: maqaib@gmail.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۷

چکیده

برای انسان، از دیرباز تاکنون آشنایی با علوم غریبه بسیار جالب و وسوسه‌برانگیز بوده است. سحر، امور خارق‌العاده‌ای است که با تحقق امور عادی فرق داشته و با پیش‌فرض‌های عرفی و عادی قابل تصور نیست. آثاری که سحر از خود در وجود انسان‌ها به جای می‌گذارد، گاه جنبه روانی و گاه جنبه جسمانی است. عدم آگاهی مردم و ویژگی‌های فریبنده سحر سبب جذب افراد به این علم شده است، این امر فرصتی ویژه‌ای برای ساحران ایجاد کرده تا بتوانند به راحتی از جهل مردم در جهت منافع خود بهره ببرند. در اسلام سحر از مسلمات می‌باشد که به جهت آثار غیر اخلاقی آن بر فرد، خانواده و اجتماع، از تعلیم و تعلم آن نهی شده است. سحر دارای آسیب‌های اخلاقی بی‌شماری می‌باشد. از مهم‌ترین آسیب‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد: ایجاد تفرقه بین زوجین، تضعیف اعتقادات افراد جامعه، ترویج خرافه‌گرایی و همچنین فراهم کردن بستر برای فرقه‌های نوظهور است. این فرقه با استفاده از مشروبات الکلی و قرص‌های روان‌گردان، ترویج بی‌بند و باری، نهی از ازدواج، داشتن رابطه‌های نامشروع، سبب تزلزل بنیان خانواده، بیماری‌های روانی افراد، خودکشی و بزه‌کاری می‌شوند. در حقوق کیفری ایران در لایحه ۱۲-۲۲۵ سحر جرم‌انگاری و مجازات قتل برای ساحر در نظر گرفته شده که بنا بر پیامدهای غیر اخلاقی آن متناسب با جرم بوده، اما از آنجا که هدف از مجازات، اصلاح مجرم جهت ورود مجدد به آغوش جامعه و حفظ مصالح جامعه و تضمین بقای آن است، این مجازات از لایحه قانون حذف شد. پژوهش حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و قصد دارد تا به بیان آثار غیر اخلاقی سحر بپردازد، ضمن این‌که تلاش دارد خواننده را با دورنمایی از فرهنگ سحر و حکم فقهی - حقوقی آن آشنا سازد.

واژگان کلیدی: سحر؛ جامعه؛ جرم؛ اخلاق؛ قانون مجازات

مقدمه

سحر، این واژه فریبنده و ترسناک که دوره‌ای فراموش شده بود، با باب‌شدن خرافات مجدداً وارد زندگی بشریت شده است. سحر همان اعمال خارق‌العاده‌ای است که گاهی به صورت چشم‌بندی و تردستی، کمک‌گرفتن از اجنه و شیاطین و گاهی هم با استفاده از خواص ناشناخته فیزیکی و شیمیایی موجود در اجسام و عناصر شکل می‌گیرد، یکی از پردغدغه‌ترین مباحث در سطح عموم جامعه بوده و با شکل و شمایل گوناگونی از قبیل نوشته، ورد، بُخور، قسم، استخدام و تصفیه نفس در میان افراد رواج دارد. با توجه به آیات و روایات موجود در این زمینه، اصل مسأله سحر و واقعیت‌داشتن آن از مسلمات است. سحر از جهات متعددی، چون امکان تحدی، قابلیت تعلیم و تعلم، محدودیت و هدف و انگیزه با معجزه تفاوت داشته و خود دارای اقسام متعددی از قبیل سحر ربط و تفریق، محبت و... می‌باشد. از آنجایی که سحر در جامعه منجر به مشکلات اخلاقی فراوانی در فرد، خانواده و اجتماع می‌شود، ضروری است که سطح آگاهی و دانش افراد جامعه در رابطه با سحر، ابعاد و آثار آن افزایش یابد تا از آسیب‌های جبران‌ناپذیر آن در امان باشند. در نظام حقوقی ایران، جادوگری اولین بار در آیین‌نامه امور خلافی سال ۱۳۲۴ مورد توجه قرار گرفت و به شرط حرفه قرارگرفتن توسط جادوگر جرم‌انگاری شد. در سال‌های اخیر نیز ماده‌ای در لایحه قانون مجازات اسلامی سحر را جرم‌انگاری کرده و مجازات مرگ را برای آن در نظر گرفت که البته ایراداتی اساسی بر آن وارد بود.

بدون تردید جرم‌انگاری از پیچیده‌ترین و دشوارترین موارد قانونگذاری است. از این رو باید منطبق بر اهداف و مبانی حقوق جزا باشد. در جرم‌انگاری معیارهای ماهوی مانند محدودیت قلمرو، استثنا بودن توسل به آن، تناسب جرم و مجازات و معیارهای شکلی همچون صراحت و شفافیت قانون و لزوم رعایت قواعد نگارشی، ادبی و اخلاقی را باید در نظر گرفت و بر اساس آن مبادرت به جرم‌انگاری کرد. علاوه بر آن از مجموع آیات و روایاتی که در مورد اقامه حدود عنوان شده است، اجرای احکام حدود را باید با توجه به شرایط ارتکاب جرم، شخصیت مجرم و همچنین میزان تأثیرگذاری یا عدم آن

در اجتماع در نظر گرفت. در غیر این صورت وصول به اهداف جرم‌انگاری ممکن نیست و حتی از ارزش اخلاقی و ابهت حقوق جزا کاسته می‌شود. با توجه به مطالب مطرح‌شده، در این مقاله محقق می‌کوشد تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- ماهیت سحر، اقسام و مصادیق آن چیست؟

- دیدگاه اخلاقی اسلام درباره سحر چیست؟

- آسیب‌های اخلاقی سحر چیست؟

- سیاست تقنینی ایران در مقابل جرم سحر به چه نحو است؟

- با توجه به تبعات اجتماعی سحر، چرا مجازات قتل از

لایحه قانون مجازات حذف گردید؟

ماهیت اخلاق

شهید مطهری می‌گوید: اخلاق عبارت است از علم زیستن، یا علم چگونه باید زیست... در حقیقت، چگونه زیستن دو شعبه دارد: شعبه چگونه رفتارکردن و شعبه چگونه بودن. چگونه رفتارکردن، مربوط می‌شود به اعمال انسان (البته شامل گفتار هم می‌شود) که چگونه باید باشد و چگونه بودن، مربوط می‌شود به خوی‌ها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد (۱).

۱- اخلاق در لغت

اخلاق جمع خُلُق است. «خُلُق» به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. «خُلُق» به معنای هیأت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند (۲). به گفته راغب در کتاب مفردات این دو واژه در اصل به یک ریشه بازمی‌گردد، بنابراین می‌توان گفت: اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است (۳) و به گفته بعضی از دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می‌شود نیز اخلاق گفته می‌شود که اولی اخلاق صفاتی است و دومی اخلاق رفتاری است. اخلاق را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد و آن این‌که گاه انسان فعلی را انجام می‌دهد که شکل مستمری ندارد، ولی هنگامی که کاری به طور مستمر از کسی سر می‌زند (مانند کمک به

دیگران) دلیل این است که یک ریشه درونی دارد و آن ریشه را خلق و اخلاق می‌گویند.

۲- جایگاه اخلاق

اولین نمودی که از یک شخص در جامعه ظاهر می‌شود، اخلاق آن فرد است. اخلاق، زبانی بین‌المللی دارد و می‌توان با آن هر انسانی را تحت تأثیر قرار داد. فضائل اخلاقی مطلق است و همه آن را می‌پسندند. زبان امروز دنیا زبان اخلاق است.

۳- محدوده اخلاق

به طور کلی اسلام برای تمامی ارتباطات آدمی، برنامه اخلاقی ارائه کرده است و این نمونه‌ای از جهان‌بینی اخلاقی است. ارائه نظام اخلاقی از خصوصیات بارز یک دین برتر است که دین اسلام آن را داراست. وقتی به منابع اسلامی از قبیل قرآن، روایات و ادعیه مراجعه می‌کنیم در جای جای این منابع، قطعه‌ای از این برنامه اخلاقی را ملاحظه می‌نماییم. در نتیجه اخلاق محدوده‌ای ندارد و نمی‌توان برای آن حدود قائل شد.

ماهیت سحر

در این‌که سحر چیست و از چه تاریخی به وجود آمده، بحث فراوان است. همین‌قدر می‌توان گفت که سحر از زمان‌های خیلی قدیم در میان مردم رواج داشته است، ولی تاریخ دقیقی از آن در دسترس نیست و همچنین نمی‌توان گفت که چه کسی برای نخستین‌بار جادوگری را به وجود آورده، ولی از نظر معنی و حقیقت سحر می‌توان گفت سحر نوعی اعمال خارق‌العاده است که آثاری از خود در وجود انسان‌ها به جای می‌گذارد و گاهی یک نوع چشم‌پندی و تردستی است و گاه تنها جنبه روانی و خیالی دارد (۴). در هند باستان سحر را «یاتو» و در پهلوی «جادوک» یا «جاتوکیه» می‌گفتند. در بسیاری از نوشته‌های اوستا، «یاتو» را برابر با جادو گرفته‌اند و جادو در آن به گروه شیادان ساحر و گمراه‌کنندگان و فریبندگان اطلاق شده است (۵).

۱- سحر در لغت

علما و لغت‌شناسان برای سحر معانی متعددی بیان کرده‌اند. عده‌ای معتقدند سحر به معنای خدعه و نیرنگ است (۶) و گروهی می‌گویند سحر چیزی است که مأخذ و منشأ آن لطیف است و دقیق با چشم عادی دیده نمی‌شود و از طریق عادی منشأ آن را نمی‌توان یافت (۷). سحر به معنای جادو و افسون می‌باشد (۸). سحر لفظی عربی، به معنی تغییر یا گردانیدن ماهیت و صورت واقعی شیء به امری غیر حقیقی یا خیالی (۹) سحر عبارت است از سخن یا نوشته‌ای که به سبب آن، به بدن یا عقل کسی که سحر شده ضرری وارد شود (۱۰). سحر کاری است که برای پی بردن به مأخذش باید باریک‌بین بود (۱۱).

۲- سحر در اصطلاح

سحر در میان علمای علوم مختلف به صورت‌های گوناگونی تعریف شده است تا جایی که می‌توان ادعا نمود تعریف جامع و کاملی در مورد سحر وجود ندارد. در اینجا به برخی از مهم‌ترین تعاریفی که برای سحر ذکر شده است، اشاره می‌کنیم:

۱-۲- علامه حلی: گفتار، نوشتار، رقیه یا هر عملی که در بدن، قلب یا عقل فرد سحرشده تأثیر بگذارد، بدون آنکه ساحر با او تماس پیدا کند، سحر نامیده می‌شود و ممکن است سبب قتل، بیماری، جدایی میان زن و شوهر، کینه و دشمنی میان آن دو یا پیدایش محبت شخصی به دیگری گردد (۱۲).

۲-۲- ابن فهد حلی: ایجاد کارهای خارق‌العاده که منشأ آن امری مانند تأثیرات نفسانی، بهره‌گیری از فلکیات، درآمیختن قوای آسمانی با قوای زمینی و یا استعانت از ارواح بسیط [فرشتگان، اجنه و شیاطین] می‌تواند باشد که در اصطلاح خاص، اولی [ایجاد کارهای خارق‌العاده... «سحر» و دومی «دعوت کواکب» سومی «طلسمات» و چهارمی «عزائم» نامیده می‌شود (۱۳).

۳-۲- فاضل مقداد: دانشی که به کار بستن آن، موجب پیدایش ملکه‌ای نفسانی در فرد شده و او را بر ایجاد کارهای شگفت با اسباب ناپیدا توانا می‌سازد (۱۴).

۳- مصادیق سحر

از نظر آیات، روایات و متون دینی سحر به اشکال و صورت‌های گوناگونی قابل تصور است که از آن‌ها تحت عنوان «مصادیق سحر» یاد می‌شود (۱۵) که عبارتند از:

۱-۳- **تردستی و شعبده:** شعبده، بازی معروف است که با سرعت حرکت، امر بر بیننده مشتبه می‌شود و در نظر بیننده واقعی جلوه می‌کند، چنانچه آتشی که در آتشگردان است وقتی که به سرعت حرکت داده می‌شود، چشم یک دایره متصل آتشین می‌بیند. در فارسی به آن تردستی می‌گویند. فقها با استناد به اجماع و این‌که بعضی از تعاریف سحر شامل شعبده هم می‌شود، شعبده را حرام می‌دانند و آن را از اقسام سحر می‌شمارند (۱۶).

۲-۳- **تسخیر:** مطیع و رام کردن انسان، حیوان، جن، فرشته یا شیطان را تسخیر می‌گویند. در نحوه ارتباط سحر با تسخیر میان علما اختلاف وجود دارد به صورتی که:

۱-۲-۳- صاحب کتاب جواهر الکلام: تسخیر را از مصادیق سحر دانسته‌اند (۱۷).

۲-۲-۳- آیت‌الله خوئی (ره): تسخیر خارج از موضوع سحر محسوب می‌شود (۱۶).

۳-۲-۳- ملا احمد نراقی (ره): هر چند تسخیر را از اقسام سحر نشمرده، ولی حکم سحر را بر آن جاری کرده‌اند.

۳-۳- **رمل:** علمی است که در آن از اشکال شانزده‌گانه بحث می‌شود و نتیجه آن استعمال از مجهولات و وقوف به احوال عالم است. به دارنده چنین علمی «رمل» می‌گویند، البته باید توجه داشت که تعلیم و تعلم رمل جائز بوده و تنها زمانی حکم «حرمت» بر آن بار می‌شود که به استناد رمل حکم یقینی و قطعی داده شود.

۴-۳- **طلسمات:** طلسم به معنی گره لاینحل است. طلسم دانشی است که به واسطه آن چگونگی درآمیختگی قوای منفعل زمین شناخته می‌شود تا به سبب آن کارهای عجیب و غریبی در عالم هستی شناخته شود و پدید آید. طلسم‌هایی که مشتمل بر اضرار یا فریب‌دادن مردم یا اهانت به چیزی از حریم‌های الهی مانند قرآن کریم بی‌تردید حرام

است، خواه این طلسمات از سحر شمرده شود، خواه شمرده نشود (۱۸).

۵-۳- **ریاضت:** در این روش انسان با ریاضت‌های طولانی به تقویت فکر و اراده خویش می‌پردازد و سپس با نیروی اراده خویش بر اشیای محیط اطراف خود اثر می‌گذارد و چیزهای خارق‌العاده را در برابر چشم بینندگان مجسم می‌کند.

نگاه اخلاقی اسلام نسبت به سحر

از نظر اسلام سحر از گناهان کبیره بوده و ساحران افراد منحرف و دنیاپرستی هستند که اساس کارشان بر تحریف حقایق است و در اغلب موارد از توجه بیش از حد عده‌ای به خرافات و اوهام، سوءاستفاده کرده و بساط خود را پهن می‌نمایند. بدیهی است که افزایش سطح آگاهی‌های مردم، بهترین راه برای مقابله با این‌گونه امور محسوب می‌گردد. در اسلام از یادگیری سحر و انجام‌دادن اعمال سحر و جادوگری به شدت منع شده و از نظر تمام فقهای اسلام یادگیری و انجام آن، حرام است. به عنوان نمونه:

- شیخ انصاری: هر چند ما مطمئن به اجماع علما در این خصوص نیستیم، ولی ادعای ضروری دین [آنچه که انکارش مستلزم کفر خواهد بود] از چیزهایی است که ما مطمئن به حرمت این عمل می‌شویم و علما در همه اعصار بر حرمت سحر و جادوگری اتفاق داشته‌اند (۱۸).

- فخرالمحققین: حرمت سحر و جادو از ضروریات دین اسلام است و هر کس که جادو را حلال بداند، کافر است (۱۳).

در روایات نیز از سحر و ساحری به شدت نهی و مذمت شده است، چنانچه نقل شده که یکی از ساحران که در برابر انجام عمل سحر، مزد می‌گرفت، خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد حرفه من سحر بوده است و در برابر آن مزد می‌گرفتم. خرج زندگی من از همین راه تأمین می‌شد و با همان درآمد، حج خانه خدا را انجام داده‌ام، ولی اکنون آن را ترک نموده و توبه کرده‌ام. آیا برای من راه نجاتی هست؟ امام فرمود: عقده و گره سحر را باز کن، ولی گره جادوگری مزین (۱۹). از نظر دین اسلام حرمت و حلیت عمل سحر و جادو

بستگی به نیت فردی دارد که قصد انجام سحر را کرده است، به این صورت که:

- نیت به کارگیری: اگر شخصی به این نیت که سحر را بیاموزد و بعد از خیره‌شدن به کار بگیرد و سپس اقدام به تعلیم و تعلم سحر کند، یقیناً مرتکب فعل حرام شده است. از این رو فقها فتوا داده‌اند که آموزش‌دادن و آموختن آن به منظور به کار بستن و نیز دریافت اجرت در ازای یاددادن آن حرام و باطل است (۲۰).

- نیت دفاع و ابطال: در مقابل اگر نیت شخص از تعلیم و تعلم سحر، یادگرفتن آن به انگیزه حفظ خود از سحرشدن توسط دیگری و دفع زیان آن از خود و مسلمانان و نیز دفع شر کسی که بدان وسیله ادعای پیامبری می‌کند، جایز، بلکه در مورد آخر، واجب کفایی است (۲۱). بنابراین تعلیم و تعلم سحر در این موارد جایز است: ۱- برای از بین بردن آثار سحر از کسانی که از آن آسیب دیده‌اند؛ ۲- برای باطل کردن ادعای مدعیان دروغین نبوت؛ ۳- یادگرفتن آن به منظور از بین بردن سحر ساحران.

آسیب‌های اخلاقی سحر

در عصر ما چون بسیاری از خواص اجسام و عناصر که در گذشته بر توده مردم، مخفی بود، آشکار شده است و حتی کتاب‌هایی در زمینه آثار اعجاب‌انگیز موجودات مختلف نوشته شده است، واقعیت قسمت زیادی از سحرهای ساحران روشن شده و در موارد زیادی این حربه از دست ساحران گرفته شده است (مثل روشن‌شدن خواص شمیایی عناصر و یا بعضی خواص نور)، اما در هر حال، سحر چیزی نیست که بتوان وجود آن را انکار کرد و همه صورت‌های آن را به خرافات نسبت داد، بعضی از صورت‌های آن هم‌اکنون رواج دارد و هنوز واقعیت آن شناخته نشده است، مثل کارهایی که مرتاضان هندی انجام می‌دهند (۴).

قرآن کریم تأثیر سحر را فی‌الجمله تصدیق می‌کند. پیامدهای منفی اخلاقی سحر در شوون مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی باعث شده تا در اسلام از یادگیری سحر و انجام آن به شدت منع شده و از نظر تمام فقهای اسلام یاد

گرفتن و انجام اعمال سحر حرام است تا جایی که فقها نه‌تنها برای سحر و جادو حرمت قائل شده، بلکه برای ساحر مجازات نیز در نظر گرفته‌اند. برخی از این پیامدها عبارتند از:

۱- جدایی بین مرد و زن

از بعضی از آیات قرآن استفاده می‌شود که بعضی از انواع سحر به راستی اثر می‌گذارد، مانند آیه که می‌گوید آن‌ها سحرهایی را فرا می‌گرفتند که میان مرد و همسرش جدایی می‌افکند «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ» یا تعبیر دیگری که در آیات فوق بود که آن‌ها چیزهایی را فرا می‌گرفتند که مضر به حالشان بود و نافع نبود «وَيَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ» (۲۲). در تعالیم اخلاقی اسلام، دو به هم‌زنی و تفرقه، بسیار نکوهیده است و عقاب الهی را به دنبال دارد. وقتی این عمل زشت بین همسران واقع گردد، با توجه به این‌که کیان جامعه را به خطر می‌اندازد، قباحت آن بیشتر شده و بالتبع عقاب آن فزونی خواهد یافت. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: شخصی که بین زن و شوهری دو به هم‌زنی نموده و بین آن‌ها اختلاف ایجاد نماید، به درستی که خدای متعال بر او غضب می‌نماید و لعنتش را در دنیا و آخرت بر او نازل می‌سازد و نگاه کردن به چهره او حرام خواهد بود... هرچند که به این کار موفق نگردد و فتنه‌انگیزی او بر زن و شوهر تأثیری نکند (۲۳-۲۴).

۲- کفر و ارتداد

از نظر اسلام در بسیاری از موارد، سحر باعث گمراه‌ساختن مردم و تحریف حقایق و متزلزل‌ساختن پایه‌های اعتقادات افراد ساده ذهن می‌شود. در احادیثی که از پیشوایان بزرگ اسلام به ما رسیده است، سحر به شدت مذمت و از آن نهی شده است، از جمله این‌که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «کسی که سحر بیاموزد، کم یا زیاد، کافر شده است و رابطه او با خداوند به کلی قطع می‌شود» (۴، ۱۹). از آنجایی که عمل سحر مورد مذمت و نهی خداوند متعال قرار گرفته است، اولین اثر سحر بر شخص ساحر یا افرادی که به او رجوع می‌کنند، آن است که آن‌ها را به قهقرای کفر می‌کشاند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس به سوی جادوگر یا کاهن یا دروغ‌گویی

برود و گفتارش را تصدیق کند به کتاب خدا کافر شده است» (۲۵).

۳- ترویج خرافه‌گرایی در سطح جامعه

به طور کلی از دیدگاه اجتماعی خرافه یک پدیده روحی و اجتماعی است که از هزاران سال پیش تاکنون در ذهن بشر چنان نفوذ کرده است که طرز تفکر او را تحت تأثیر سلطه خود درآورده است، به طوری که با غریزه او عجین شده است و عقل و استدلال هم قادر نیست که در همه موارد بر غریزه تحت تسلط خرافات پیروز شود. از این رو فرهنگ خرافات با جهل و توجیه غیر عقلانی از عملکردهای بشر همراه می‌گردد. سحر نیز که در این زمینه شکل می‌گیرد، در واقع اعتقاد به این مسأله است که از راهی غیر عقلانی به کمک نیروهای مرموز بر روابط ضروری پدیده‌ها تأثیر گذاشته شود و آن‌ها را به نفع یا زیان جریانی به کار اندازد. باید توجه داشت که اغلب مواردی که مردم آن را سحر می‌پندارند ناشی از توجه بیش از حد عده‌ای به خرافات و اوهام و سوءاستفاده عده سودجوی دیگر، از شرایط فراهم آمده است، در حالی که از سحر اطلاعی ندارند، ضمن این‌که حداقل بخشی از سحر، با تصرف در خیال انسان انجام می‌پذیرد و همانطوری که در جریان ساحران و حضرت موسی (ع) اتفاق افتاد.

۴- تأثیرات روانی بر افراد

گاهی درگیری‌های احساسی طوری ذهن‌مان را مستأصل می‌کنند که فقط دنبال راهی می‌گردیم تا یک شبه همه چیز وفق مرادمان بشود و همان چیزی بشود که ما می‌خواهیم. افراد سودجو مانند ساحران از این فرصت استفاده می‌کنند و با دادن وعده‌های وسوسه‌انگیز راهی برای کسب درآمدهای کلان خود پیدا می‌کنند. طلسم جدایی یکی از همین وعده‌های وسوسه‌انگیز است. ساحران و دعانویسان برای جذب افرادی که می‌خواهند عشقان را از کسی دور نگه دارند، به آن‌ها طلسم جدایی می‌دهند، البته عده دیگری نیز وجود دارند که دغدغه‌شان باطل کردن طلسم جدایی میان خودشان و عشقشان است چون مشکلات و اختلافاتشان را زیر سر طلسم و سحری می‌دانند که بدخواهان برایشان نوشته‌اند. در این‌که آیا تأثیر سحر فقط جنبه روانی دارد و یا این‌که اثر جسمانی و

خارجی هم ممکن است داشته باشد؟ در آیات قرآن اشاره‌ای به آن نشده، لذا بعضی معتقدند اثر سحر تنها در جنبه‌های روانی است. علامه طباطبایی می‌فرماید: سحر یک نوع تصرف در حس‌های انسان است، به طوری که حس‌های بیننده چیزهایی را ببیند و یا بشنود که حقیقت نداشته باشد (۲۶). یکی از اقسام آن تصرف در خیال مردم است که آن را سحر دیدگان می‌نامند و این فن از تمامی فنون سحر مسلم‌تر و صادق‌تر است (۲۵).

۵- بسترسازی برای فرقه‌های نوظهور

فرقه‌های نوظهور مانند سایر پدیده‌های اجتماعی بسیار پیچیده و چندعاملی است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و پیدایش این فرقه‌ها، علل روحی و روانی است. انسان مخصوصاً در دنیای مدرن خلل‌ها و کمبودهایی در وجودش، مسائل زندگی روزمره، در حوزه خانواده و حتی مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی می‌بیند و با امکاناتی که در اختیار دارد، پاسخی به آن‌ها داده نمی‌شود. در چنین فضایی طبیعی است که زمینه برای بروز و طرح ایده‌ها و شکل‌گیری جریان‌هایی فراهم شود که مدعی پاسخگویی به مسائل روحی و روانی و نیازهای درونی افراد هستند.

برخی از این فرقه‌ها دارای افکار خطرناکی می‌باشند و با استفاده از مواد مخدر و روان‌گردان، مشروبات الکلی و... فرد را به جایی می‌رساند که از دست‌زدن به هر گونه خشنوت و اعمال منافی اخلاق در سطح جامعه و در معرض دید عموم ابایی ندارند. برخی از این افراد با پوشش‌های نامناسب و تغییرات ظاهری در چهره و موهای خود به شکلی وارد اجتماع می‌شوند که علاوه بر ظاهری زشت و زننده، تأثیرات سوئی بر سایر افراد جامعه دارد، از جمله بی‌بند و باری و بدحجابی را در جامعه رواج می‌دهد. شیوع بیماری‌های روحی و روانی و اعمالی همچون قتل، خودکشی، تجاوز به عنف و... از جمله آسیب‌های اجتماعی است که افراد در این گروه از خود به جا می‌گذارند. از دیگر معضلاتی که در این گروه‌ها مشاهده می‌شود، برگزاری مهمانی‌های مختلط و شبانه و انجام اعمال خلاف شرع در این مهمانی‌هاست که خود یکی از راه‌های جذب جوانان مستعد و تبلیغ افکار و اعتقادات این فرقه‌ها و

اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض و امثال آن‌ها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبرداری محسوب می‌شود و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود...»

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا هم‌تراز آن‌ها باشند، به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند، به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند (۲۸). مجازات کلاهبرداری در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری اعم است از دولت یا سایر اشخاص. بنابراین مجازات کلاهبرداری به دو قسمت مجازات ساده و مشدد تقسیم می‌شود. مجازات کلاهبرداری ساده که شامل سایر اشخاص غیر از دولت می‌شود، عبارت است از حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال اخذ شده و مرتکب به رد اصل مال نیز محکوم می‌شود. مجازات کلاهبرداری مشدد عبارت است از حبس دو تا ده سال، جزای نقدی معادل مال تحصیل شده و انفصال دائم در صورتی که کارمند دولت باشد و مرتکب به رد اصل مال نیز محکوم می‌شود، چنانچه عمل رمالی و یا ساحری را بتوان ذیل ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی در تکدی‌گری و کلاشی آورد، تعقیب چنین اعمالی منعی نخواهد داشت. در عین حال دیده شده است که رمالان و جادوگران با استفاده از اعتماد میان خود و مشتریان دست به اقداماتی چون آزار و اذیت جنسی و سرقت هم می‌زنند که در جای خود قابل بررسی است و مجازات‌های خود را خواهد داشت.

و قبلاً نیز بیان شد که جادوگری و رمالی هرگاه باعث فریب و سوءاستفاده افراد قرار بگیرد، تحت عنوان کلاهبرداری قابل تعقیب خواهد بود و به همین جهت قضات دادگاه‌های کیفری معمولاً افراد متهم به رمالی و ساحری را با استفاده از قوانین مرتبط با کلاهبرداری و تحصیل مال نامشروع مجازات می‌کنند و اگر این افراد جرم مستقل دیگری نیز مرتکب شده باشند، به مجازات آن جرم محکوم می‌شوند. با توجه به تغییر قانون مجازات اسلامی و عدم ذکر مجازات سنگسار و اعدام

مکاتب است. تلاش برای فروپاشی نظام خانواده، موضوعی است که بسیاری از این فرقه‌ها به دنبال آن هستند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم روابط جنسی خارج از نظام خانواده را تبلیغ می‌کنند. به عنوان مثال عرفان دروغین «اوشو» با ازدواج به شدت مخالف است، چون آن را مخالف به ثمر رسیدن عشق می‌داند. در شهر عرفانی اوشو جایی برای ازدواج وجود ندارد، در حالی که از وجود معشوقه نقل قول کرده است. لازمه این سخن آن است که داشتن روابط جنسی در غیر ازدواج هیچ اثر منفی در پی ندارد. از آنچه بیان شد، نتیجه می‌گیریم که قرار گرفتن در دام فریب این فرقه‌ها، انحراف از صراط مستقیم هدایت دین و معنویت راستین و غلتیدن در ورطه گمراهی است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که در تمامی موارد با بالارفتن سطح اعتقادات و آگاهی‌های مردم، عملاً این‌گونه سحرها کارایی نخواهند داشت.

سحر در حقوق کیفری ایران

با توجه به مطالبی که گفته شد، به جهت آسیب‌های اخلاقی، روحی و روانی، و حتی جسمی که سحر بر فرد و اجتماع وارد می‌کند، باید از آن منع شود. یکی از راه‌های منع از سحر جرم‌دانستن آن و تعیین مجازات برای ساحر است. ساحری و رمالی هرگاه باعث فریب و سوءاستفاده افراد قرار بگیرد، تحت عنوان کلاهبرداری قابل تعقیب خواهد بود. کلاهبرداری به معنای بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوء نیت، با وسایل متقلبانه است. بر مبنای فقه اسلامی کلاهبرداری نوعی «اکل مال به باطل» (۲۲) است. کلاهبرداری در مفهوم احتیال و کلاهبرداری به عنوان محتال قابل تعزیر است (۲۷). ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری تعریف مبسوطی از کلاهبرداری بیان داشته و مواردی را به عنوان مثال بیان نموده است. «هر کس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیشامدهای غیر واقع بترساند و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا

عمل رمالی را با این لایحه مجازات اسلامی به کیفر رساند. در حال حاضر قانون، البته نه جامع و مانع برای محاکمه این افراد وجود دارد، اما عزم جدی برای برخورد با این افراد وجود ندارد و چنانچه عزمی برای رواج مقابله با این نوع خرافه‌گرایی‌ها در دستگاه قضایی وجود داشته باشد، با قوانین موجود هم می‌توان جلوی رواج این ناهنجاری اجتماعی را گرفت (۲۹).

مطابقت جرم ساحری با مجازات آن در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی

حقوق کیفری ایران که بعد از انقلاب بیش از حد تابع ملاحظات فقهی است و قوانین و قواعد حقوق جزا به ویژه در باب حدود، دقیقاً منبعث از متون فقهی و آرای فقها بوده است و جالب آنکه فقهای اسلامی هم عمدتاً احکام فقهی متفاوتی در موضوع واحد دارند. قانونگذار در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی و به موجب ماده ۱۲-۲۲۵ مقرر می‌دارد: «مسلمانی که با سحر سر و کار داشته و آن را در جامعه به عنوان حرفه یا فرقه‌ای ترویج نماید، محکوم به قتل است.» ماده فوق که به نظر می‌رسد یکی از نقاط ضعف لایحه قانون مجازات اسلامی است و دارای شبهه عقلی، حقوقی و اجتماعی است و مؤید این است که قانونگذار ما در نگارش این ماده چشم بر تجربه بیست و چندساله حقوقدانان و استادان فن بسته و در جایگاه قانونگذار سال ۱۳۵۷ به تقنین قانون پرداخته است. نکته اول این‌که در این ماده آمده است سحر که از سوی مسلمان باشد، مستوجب حد قتل است به دو شرط، اول آنکه به عنوان حرفه و شغل خود قرار داده باشد؛ دوم آنکه فرقه‌ای را ترویج کند که در کتب و منابع فقهی تنها در مورد اول شغل ذکر شده و نه مورد دوم و این از ابداعات خود قانونگذار است؛ نکته دوم آنکه از سحر به وسیله کافر ذکر می‌نماید، هرچند که در فقه به آن اشاره شده است و حد چنین شخصی قتل ذکر نشده است، زیرا از حضرت رسول (ص) در صحیح سکنی آمده است که شرک گناهی بزرگ‌تر از سحر است و این دو با هم مقارن است. بحث تردستی و شعبده‌بازی که از غلط فهمی و به اشتباه‌انداختن افراد حادث می‌شود، جدا است و عنوان جادو ندارد، بلکه مقصود از جادو استناد به نیروهای ماورائی

برای ارتداد و سحر زمینه‌ای ایجاد شده تا ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جایگزین برخی از حدود شود. طبق این ماده «در مورد حدودی که در قانون ذکر نشده است، طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی معتبر جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.» بنا بر اصل مذکور، «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» توضیح این‌که این ماده تأکید دارد که اگر برای جرمی در قانون حکمی وجود نداشت، از جمله در سنگسار، مقام قضایی از رهبری استفتا کند و در صورت صلاح دید، رهبری نیز تعیین حکم را به فرد دیگری واگذارند. پیش از این قضات در مورد این دسته از جرائم از فقهای مختلف استفتا و بر اساس آن رأی خود را صادر می‌کردند که این تغییر قانون از تشتت آرا جلوگیری می‌کند. ساحری در قانون مجازات اسلامی زمانی که در حال بررسی نهایی بوده، ابتدا جرم تلقی شده بود، اما در متن نهایی قانون مجازات اسلامی حذف شد. با تأکید بر این‌که رمالی و جادوگری در قانون مجازات فعلی جرم محسوب نمی‌شود، در این زمینه در ماده ۱۲-۲۲۵ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی مقرر شده «مسلمانی که کارش سحر و جادوست و آن را در جامعه به عنوان حرفه یا فرقه‌ای ترویج می‌نماید، در حکم مرتد بوده و محکوم به قتل است.»

رمالی و جادوگری در قوانین ایران عنوان جداگانه و مستقل ندارد، لذا در قوانین کنونی جرم‌انگاری نشده است. در این زمینه لازم به توضیح است که لفظ سحر متفاوت از عمل رمالی است، زیرا با توجه به این‌که قانونگذار سخن از حرفه سحر به میان آورده، به معنای آن است که این عمل را ولو مجرمانه به رسمیت شناخته و این کار عبارت از عملیاتی اجرایی به منظور مسخرکردن امور جهت رسیدن به اهدافی خاص، اما رمالی و کف‌بینی مشتمل بر عملیاتی اجرایی خاص نیست و تنها مرتکب الفاظی به صورت خبر از آینده یا گذشته افراد به میان می‌آورد. بنا بر موارد مذکور و همچنین با توجه به عمومات حقوق جزا بعید به نظر می‌رسد که بتوان مرتکب

برای اموری است که شخص انجام می‌دهد و سبب ایجاد توهم در باورهای دینی مردم می‌شود. سحر که در لایحه جدید جرم‌انگاری شده است، افراد را با خواندن ماده مربوطه به یاد دوران قرون وسطی می‌اندازد که جادوگران را زنده می‌سوزاندند، چراکه در این قانون مجازات مرگ در نظر گرفته شده است. یکی از اعمالی که می‌تواند در دسته اعمال جادوگری طبقه‌بندی شود، خواندن یا حمل دعاهاست که بخش مفصلی از کتاب‌هایی مانند مفاتیح‌الجنان و سایر کتاب‌های دعا به شرح انجام چنین اعمالی اختصاص داده شده است. حال با استناد به قانون جدید، می‌توان کسانی که این کتاب‌ها را منتشر می‌کنند یا آن‌ها را ترویج می‌نمایند، به مرگ محکوم کرد، اما آیا منظور قانونگذار برخورد با این قشر سنتی و مذهبی جامعه مذهبی بوده است؟

سکوت قانونگذار در تعریف سحر به ابهام مطلب افزوده است. گروه دیگری که این قانون احتمالاً شامل آن‌ها می‌شود، رمال‌ها، فالگیرها، جن‌گیرها و دعانویسان سنتی هستند. آیا عقلی و منطقی است این افراد به مجازات قتل محکوم شوند؟ تصور کنیم فردی برای حل مشکل خود به دعانویس یا فالگیر یا افرادی که طلسم را از بین می‌برند، مراجعه نماید. حال چنانچه مشکل فرد مراجعه‌کننده برطرف نشود و اگر از بازگرداندن مبلغی که پرداخت نموده است، خودداری شود، اگر عمل مجرمانه‌ای صورت گرفته باشد، مسلماً کلاه‌برداری است. جالب آنکه در کشورهای اروپایی در این خصوص با رضایت طرفین قراردادهای تنظیم و بر اساس آن عمل می‌شود، بدون آنکه عنوان مجرمانه‌ای برای آن در نظر گرفته شود. گروه دیگری که ممکن است از تصویب قانون مبهم با مشکل مواجه شوند، سلسله‌های صوفی‌گری هستند، اگرچه صوفی‌گری مراسم جادویی را حرام اعلام کرده‌اند و آن را شایسته صوفیان واقعی ندانسته، اما می‌توان با استناد به همین ماده مراسم صوفی‌گری را در زمره مراسم جادویی محسوب نمود. افراد دیگری که ممکن است مشمول این ماده قانونی شود، متخصصان انرژی درمانی هستند. در حدود صحیح نیست که جرم‌انگاری موسع باشد و جرائمی از قبیل بدعت، ارتداد، سحر نباید جرم‌انگاری شوند، زیرا با بازکردن این باب‌ها مردم را در تقابل با دین قرار

داده و سحر در رویه و قانون نباید جرم باشد. نظر به این‌که هدف از مجازات در نظام قضایی کشورها و از جمله کشور ما ایجاد امنیت روانی در جامعه و اصلاح مجرم جهت ورود مجدد به آغوش جامعه و حفظ مصالح جامعه و تضمین بقای آن است. وارد کردن تأسیسات و مجازات‌های جدید و توسعه جرائم و تعیین کیفرهای شدید و سخت، منصفانه نبوده و فاقد اثر مورد نظر حقوق جزا است و حذف ماده ۱۲-۲۲۵ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی به مصلحت نظام اسلامی است، چراکه اصل تناسب جرم با مجازات که مبتنی بر عدالت و انصاف است، بیانگر انسجام درونی و نظام‌مند بودن قوانین کیفری است. بر مبنای این اصل، مجازات‌ها باید بر اساس اهمیت (شدت) جرائم مقرر شوند و تعیین جرائم از نظر اهمیت و شدت بستگی به رسالتی دارد که هر نظام کیفری در پی آن است و باید برای دستیابی به کلیه اهداف مجازات‌ها و برقراری تناسب واقعی میان جرم و مجازات تئوری عدالت استحقاقی مبنای توزیع مجازات میان مجرمان قرار گیرد.

اگر مجازات به مانند جرم، یک پدیده اجتماعی است. باید مانند سایر پدیده‌های اجتماعی، قابل انعطاف باشد، هرچند در سیاست جنایی اسلام که حقوق جزای ما بعد از انقلاب تابع موازین فقهی است، همواره به مطابقت جرائم و مجازات‌ها و شیوه تعیین و اعمال آن‌ها، بر اصل قانونمندی تأکید فراوان شده است و در کنار آن مجازات‌ها از شدت، قیمت و قطعیت برخوردار است، ساز و کارهای متنوع و مختلفی نیز پیش‌بینی شده است که اختیار اعمال این ساز و کارهای با افراد درگیر در دعوا از جمله قاضی، متهم، بزه دیده، شهود و اولیای دم می‌باشد. این ساز و کارها عبارتند از اقرار، انکار بعد از اقرار، عفو، توبه، ترغیب به بزه‌پوشی که در لایحه جدید قانون مجازات پس از جرم‌انگاری پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۳-۲۲۵ آمده است: «توبه مجرم قبل از اجرای حد در موضوع و ماده مذکور، چنانچه از نظر دادگاه احراز شود، موجب سقوط حد است.» بدین ترتیب یکی از ساز و کارها که همان توبه است، به صراحت اشاره شده است، البته فقهای همچون آیت‌ا... سیداحمد خوانساری، سیدابوالقاسم خویی و سیدمحسن حکیم معتقد به عدم جواز اقامه حدود در عصر غیبت می‌باشند

و این بحث را از ذیل عنوان امر به معروف و نهی از منکر خارج کرده و معتقدند اعمال چنین مجازات‌هایی مخصوص نبی اکرم، ائمه و منصوبین خاص آن‌ها است. بر فرض عدم پذیرش نظر این فقها و از آنجا که اقامه حدود در عصر غیبت شامل مجموعه‌ای از تلاش‌های نظری و عملی در جهت حفظ جامعه از گزند مفاسد است و از مجموع آیات و روایاتی که در مورد اقامه حدود عنوان شده اجرای احکام حدود را باید با توجه به شرایط ارتکاب جرم حدی، ویژگی‌های شخصیت مجرم و همچنین میزان تأثیرگذاری یا عدم آن در اجتماع در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

از منظر اسلام سحر، طبق آیات قرآن از مسلمات است. تعلیم و تعلم سحر حرام است، مگر برای از بین بردن آثار سحر از آسیب‌دیدگان و ابطال ادعای مدعیان دروغین نبوت و از بین بردن سحر ساحران. در حقوق کیفری ایران برای ساحر مجازات قتل در نظر گرفته شد که با توجه به کثرت تبعات منفی اخلاقی سحر بر فرد و اجتماع، برای آن منطقی و اخلاقی بود، اما از آنجا که هدف از مجازات در نظام قضایی، ایجاد امنیت روانی در جامعه و اصلاح مجرم جهت ورود مجدد به آغوش جامعه و حفظ مصالح جامعه و تضمین بقای آن، این مجازات از لایحه قانون حذف شد، زیرا در اصل تناسب جرم با مجازات که مبتنی بر عدالت و انصاف است، انسجام درونی و نظام‌مند بودن قوانین کیفری مد نظر است و بر مبنای این اصل، مجازات‌ها باید بر اساس اهمیت جرائم مقرر شوند و تعیین جرائم از نظر اهمیت و شدت، بستگی به رسالتی دارد که هر نظام کیفری در پی آن است و باید برای دستیابی به کلیه اهداف مجازات‌ها، برقراری تناسب واقعی میان جرم و مجازات و تئوری عدالت استحقاقی، مبنای توزیع مجازات میان مجرمان قرار گیرد.

References

1. Motahari M. Introduction to Islamic Sciences (Practical Wisdom). Tehran: Sadra Publications; 1998. p.21. [Persian]
2. Mesbah Yazdi M. Ethics Philosophy. 3rd ed. Qom: Imam Khomeini Institute of Education and Research; 2015. p.19. [Persian]
3. Ragheb Esfahani H. Daro-al-Shamieh. Edited by Davoudi S. Beirut: Lebanon; 2004. p.297.
4. Makarem Shirazi N. Sample Interpretation. Tehran: Daro al-Kotob al-Slamieyeh; 2001. p.277. [Persian]
5. Golsorkhi I. History of Wizardry. Tehran: Scientific Publication; 1998. p.16-17. [Persian]
6. Jowhari Farabi I. Al-Sahaq Taj al-Logah and Saha'h al-Arabi. *Dar al-Alam Lemallaein* 1997; 1(2): 56-67.
7. Salari M. A Survey on Sorcery and Sorority in the View of Islam. Tehran: Miras-e Mandegar; 2007. p.13. [Persian]
8. Ghorreshi A. Nahjolbalagheh Mirror of Imam Ali. 1st ed. Tehran: Written Culture; 2006. p.237.
9. Mosaheb G. Persian Encyclopedia. Tehran: Ketabjibi Co; 1995. p.1276. [Persian]
10. Hoseini M. Islamic Jurisprudence Terms and Dictionary (Arabic to Persian with English Equivalent). 3rd ed. Tehran: Soroush Publication; 2001. p.256. [Persian]
11. Khorramshahi B. Qur'anic Encyclopedia and Quran Research. Tehran: Nahid va Doostan Publication; 1998. p.1193. [Persian]
12. Helli H. Tahrir al-Ahkam al-Sharaieh Ala Mazaheb Al-Amamiyah. *Imam Sadeq Institute* 1999; 1(5): 382-396.
13. Helli M. Izah al-Favaed fi Serh Moshkelat al-Qawaed. *Ismaelian Institute Publications* 2008; 1(1): 383-405.
14. Fazel Meghdad M. Al-Tanqih al-Rae'e Lemokhtasar-e Sharae'e. Qom: School of Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi; 1983. p.12.
15. Fakhr-e Razi M. Al-Tafsir al-Kabir. Beirut: Dar al-Kotob al-Elamiyeh; 1999. p.206. [Persian]
16. Khooei S. Mesbah al-Faqah. Qom: Institute for the Publishing of the Imām al-Khoui Works; 2008. p.459-460.
17. Najafi M. Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharayeh al-Islam. *Dar al-Ehaya al-Toras al-Arabi Publications* 2008; 1(7): 71-85.
18. Payani A. Translation and explanation of Makaseb. 3rd ed. Qom: Dar al-Elm Publications; 2011. p.31. [Persian]
19. Horr-e ameli M. Tafsil Vasael al-Shiah ela Tahsil Masael al-Shareah. 1st ed. Qom: Al-Beyt Institute Publication; 1988. p.92-105.
20. Tusi A. Al-Nahayah fi Mojarrad-e al-Fiqh va al-Fatawi. 2nd ed. Beirut: Dar al-Ketab Al-Arabi Publication; 1979. p.365.
21. Ameli M. Al-Doros Shari'ah fi Fiqh Imamieh. *Al-Nashr al-Islamiyah Al-Taba Lejamaa al-Moddarresin* 1993; 3(1): 152-164.
22. The Holy Qur'an. Bagharah: 102.
23. Ibn-e Babouyah M. Sawab al-'Amal and Egab al-'Amal. Edited by Ghaffari A. Tehran: Makabeh al-Saduq; 1993. p.340.
24. Deylami H. Al-E'lam al-Din fi Sefat-e al-Momenin. Qom: Ale Bayt Leehya Altoras Institute; 1987. p.419.
25. Qomi A. Safinah al-Behar and Madinah al-Hokm and al-Asar. Mashhad: Astan Qods-e-Razavi; 2008. p.605.
26. Tabataba'i M. Al-Mizan Interpretation. Translated by Makarem Shirazi N. Tehran: Allameh Tabatabaei Foundation for Science and Technology; 1991. p.275. [Persian]
27. Azimzadeh S. Exclusive penalty rights. Tehran: Doorandishan; 2017. p.17. [Persian]
28. Article (1) of the Act on aggravating the punishment of perpetrators of bribery, embezzlement, and fraud of 2013. [Persian]
29. Keshavarz B. Soothsaying and witchcraft in Iranian law? Judiciary Law. Young Journalists Club. Available at: <https://www.yjc.ir/en/news/4274199>. Accessed February 18, 2013. [Persian]